



بهای اشتراك

مذاكرات مجلس شورای ملی سالبانه ۳۰۰ ریال
آگهی ها ۶۰۰
مذاكرات مجلس و آگهی ها ۸۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۴۸۱۵

شنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۳۶

سال چهاردهم

شماره مسلسل ۱۷۷

دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۷۷۴

صورت مشروح مذاكرات مجلس روزیکشنبه
هجدهم اسفند ماه ۱۳۳۶

فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان: دکتر دادفر - اردلان
- ۳) اخذ رأی و تصویب لایحه اجازه دریافت ششصد میلیون ریال وام جهت ساختمانهای دانشگاه تهران و دانشکده های شهرستانها
- ۴) طرح گزارش کمیسیون کشاورزی راجع با افزایش اعتبارات کشاورزی
- ۵) معرفی آقای دکتر هدایتی بوزارت دادگستری بوسیله آقای نخست وزیر
- ۶) طرح و تصویب يك فوریت لایحه افزایش اعتبارات بانک کشاورزی
- ۷) مذاکره در گزارش کمیسیون کشاورزی راجع با افزایش اعتبارات کشاورزی
- ۸) تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای وزیر دادگستری
- ۹) مذاکره در گزارش کمیسیون کشاورزی راجع با افزایش اعتبارات کشاورزی
- ۱۰) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت

تشکیل گردید

۱ تصویب صورت مجلس

رئیس - اسامی غائبین جلسه پیش
فرائت میشود.

(شرح زیر فرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: توماج -
شیبانی - اسفندیاری - دکتر ضیائی - سعیدی

دکتر بیضا - خزیمه علم - کدیور - مهندس
اردبیلی - مرتضی حکمت - دکتر آهی -
دکتر سعید - اورنگ - امامی خوئی - مسعودی
- عامری - مشار - دکتر سعید حکمت -
اخوان - دکتر اصلان افشار - صفاری -
دکتر بیرنیا

غائبین بی اجازه - آقایان :
اریه - سنندجی - دکتر طاهری -
کیکاوسی - بهبهانی - ابتهاج -
دیر آمدگان و رودر فتکبان با اجازه -
آقایان : مهندس فروغی - دکتر فریدون
افشار - صارمی - دهقان - خرازی - مرود -
صدرزاده - ارباب - مهندس ظفر - قنات
آبادی - صادق بوشهری -
رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری
نیست؟ (اظهاری شد) صورت مجلس تصویب شد.

۳- بیانات قبل از دستور

آقایان: دکتر دادفر - اردلان

رئیس - نطق های قبل از دستور
شروع میشود - آقای دکتر دادفر

دکتر دادفر - همانطوریکه آقایان

نمایندگان محترم استحضار دارند بمناسبت
انتصاب یکی از همکاران دانشمند ما آقای
دکتر هدایتی بمقام وزارت دادگستری
خواستیم چند کلمه ای در اطراف دادگستری
و نواقص دادگستری و طرق اصلاح و تکمیل
این دستگاه طبق نظر خودم و مطالعات
خودم بمعرض آقایان محترم برسانم در همین
حال توجه نمایندگان محترم را بپاره ای از
مسائل که ذکر آنها را ضروری میدانم جلب
کنم. در اهمیت دادگستری همیشه قدریس که
تنها مطلبی که توجه مردم ایران را در زمان
ناصرالدین شاه نسبت بترقیات دول و ملل
اروپائی جلب کرد همین سیستم عدالت و
طرز دادگستری مغرب زمین بود و اولین چیزی
که قبل از مشروطیت مردم طالب و خواستار
آن شدند همین دیوانخانه عدالت بود که
بعد ها این دیوانخانه عدالت توسعه و گسترش
یافت کرد با سم مشروطیت بنده نمیخواهم
در اطراف مقام قضاوت و اهمیت دادگستری
ورلی که عدالت و اجرای عدالت در مملکت
دارد بحث کنم برای اینکه اهمیت آن
همیشه بدرست که تمام متفکرین و دانشمندان
ملل قوه قضائیه را یکی از ارکان سه گانه

هر اجتماع و هر ملت تشخص داده اند و غالب
قوانین اساسی دنیا به همین ترتیب این
قوه را یکی از ارکان سه گانه
شناخته اند (صحيح است) اما باید دید که
دادگستری علی الاصول در مملکت بر چه
اساسی باید استوار باشد تا مردم از یرتو
آن و از یرتو اجرای این دادگستری در
رفاه و آسایش باشند زیرا در این هیچ شکلی
نیست که اجرای تمام برنامه های اصلاحی
در مملکت در درجه اول مرهون امنیت
عمومی و در درجه دوم امنیت قضائی است
بعبارت اخیری امنیت قضائی مکمل امنیت
عمومی است و ما باید بهتر ترتیبی که باشد
امنیت قضائی را مستقر بکنیم و تعمیم بدهیم
تا بتوانیم آن نتایجی را که میخواهیم از
استقرار امنیت در مملکت بدست بیاوریم
(صحيح است) دادگستری ما علی الاصول
در دو قسمت وارد حل و فصل امور و
دعاری است در امور حقوقی آقایان استحضار
دارند قوانینی هم که هست برای حل و فصل
دعاری است و از این نظر آن اهمیت را
که امور جزائی دارند ندارند ولی باید
طرقی اتخاذ بشود که مردم زودتر ب نتیجه
برسند و دیگر سالها در پشت اطاق های
دادگاه ها و معاکم سرگردان نشوند و
چه بسا آن منطق و منظوری را که از
طرح دهوی دارند از دست بدهند مثلاً
و نمونه های زیادی هست که چگونه
دهای بورات رسیده است و اربس اطاله
و طول داشته آقایان همه مستحضرنند و لازم
بذکر نیست البته برای اصلاح این امر
موارد زیادی را باید در نظر گرفت ولی
قسمت عمده اش مربوط باصلاح قوانین است
برای اصلاح قوانین هم يك تجدید نظر -
های اصولی لازمست که بند آمدیم و اینها
بتدریج بعمل بیاید اما قسمت مهم امور
جزائی است که شامل سه قسمت است
کشف جرم تشخیص مجرم و بعد اجرای
مجازات -
متأسفانه در کشور ما اینکه تمام انتقادات

از داد گستری است صحیح نیست چون مراحل کشف جرم در ایران بسیار ضعیف و ناقص است، یعنی يك مستطاق علاوه بر وظیفه قضائی خودش وظیفه کشف جرم را هم بعهده دارد، در صورتی که باید دستگاه های کشف جرم ما مجهز بشوند بواسطه علم امروزی که بتواند جرائم را با دلائل و مدارک کافی کشف کند و در دسترس مقامات قضائی برای تعقیب و مجازات بگذارند، مثلاً در کشور های خارجه از لحاظ علمی اینقدر دلائل جمع آوری میکنند مثل تجزیه خون و نمونه مو و لباس و اثر انگشت و اینها، اینقدر دلائل پیش مستطاق میبرند که اصلاً مستطاق در تعقیبات خود به آن رموزی که در ایران لازمست بکار برد احتیاج ندارد و در اینجا هم باید این اصل را در نظر بگیریم، مخصوصاً برای تربیت يك کادر قوی مأموران آگاهی که ما تا این زمان میگوئیم یعنی انسیکتور، اینهایی که مأموریت کشف جرم دارند مثل پلیس کادر مراکز جرائم و انفجارات کار دارند کشیک دارند اینها را باید تقویت کرد اینها حافظ قانون هستند اینها باید اشخاصی باشند فهمیده و اشخاصی باشند تحصیل کرده و علاقمند بشکل خودشان تا بتوانند پرونده را تکمیل بکنند و بدون نقص در اختیار مقامات قضائی بگذارند در مرحله تعقیبات متاسفانه در مملکت ما فقط و فقط توجه به تهران شده است، بنده مثلاً عرض میکنم طهران بدون حومه ای که دارای مراکز دادگاه بخش است مثل شهران و ورامین و کرج، آنچه جزء نقش طهران بزرگ هست طبق سرشماری يك میلیون نفر جزء حوزة قضائی یاز که طهران است برای این عده چهل تا بازرسی و چهل تا دادیار دربار که طهران کار میکنند من باب مثال عرض میکنم شهرستان مراغه طبق سرشماری سیصد هزار نفر جمعیت دارد فقط دو بازرسی دارد آن هم يکيش همیشه نبوده است یعنی در طهران در واقع یازده برابر شهرستانها قاضی داریم شهر تریز با حوزة قضائی اش در حدود سیصد هزار نفر يك میلیون نفر جمعیت دارد فقط هشت شعبه بازرسی دارد تهران هم يك میلیون جمعیت دارد با این جمعیت با این راههای نزدیک، با این طرق سهل هشتاد بازرسی و دادیار دارد، آقا اگر علاقه هست باید برای تمام نقاط کشور يك نظر باشد، حالا گرچه در تهران هم کارها می ماند و در اینجا هم احتیاج هست و آقایان کاری کنند ولی همین نسبت باید در شهرستانها هم تعمیم داده بشود و در شهرستانها مردم از بس بدعا و ایشان رسیدگی نمیشود مجازات از بین رفته و در نتیجه تمهید جرائم روز بروز زیاد شده، منظور از برقراری معاکم داد گستری و داشتن

رئیس - آقای اردلان

معاکم جزائی این است که تنبیه در کار باشد و در نتیجه از این جرائم کم بشود ولی در ایران برعکس شده از بس بواسطه نبودن تشکیلات طول و تفصیل رسیدگی زیاد شده است در نتیجه اصلاً اثر مجازات از بین رفته، بخصوص در شهرستانها مردم از هدلیه نعی ترسند برای اینکه مجازاتی در کار نیست و رسیدگی نمی شود، فاضلی نیست، تشکیلات نیست و قوانین جزائی ما همه آنطوریکه مناسب با وضعیت ایران باشد نیست البته يك تجدید نظری در اصول معاکمات جزائی می شود که بنده هم افتخار عضویت در دو کمیسیون داد گستری را دارم، در ضمن رسیدگی ما فکر کردیم که اصلاحات بسیار اساسی در قوانین جزائی و سایر قوانین باید بعمل بیاید و ما می خواهیم که آقای وزیر داد گستری باین مطالب توجه کنند، در مرحله سوم که مرحله اجرای احکام است اهمیت در اینجا است، بعد از ۱۵ سال وقتی يك پرونده رسیدگی شد آمد اجرا بشود تازه این حکم یا اجرا نمیشود یا بيك کیفیتي اجرا ميشود که منظر از آن وضع مجازات از بین ميرود، الان سیستم مجازات در دنیا با قبل از جنگ فرق دارد، الان بتمهین و جرمین بچشم مريض نگاه می کنند که در اجتماع واقفاً فاسد شده و باید معالجه بشود، در نتیجه تمام زندانهای امروز دنیا وسائل معالجه و تربیت مريض را در پیش گرفته اند، اگر بيکار شده با و کار میدهند، اگر منحرف بوده او را تربیت می کنند و اصلاحش میکنند، اما زندانهای ما طوریت است که الان قضات جرأت نمیکند کسی را که سابقه جرائم و زندانی شدن ندارد بزندان بفرستند می گویند او اگر حالا برود تمام راه و چاه ارتکاب جرم را یاد می گیرد، باین ترتیب باید نسبت باصلاح وضع زندانها و غیر نظامی کردن زندانها و همان روشی که در دنیا متداول و معمول است و سازمان ملل متحد هم بنده دنیا توصیه کرده است آقای وزیر داد گستری يك توجه خاص مبذول بدارند، بنده در این کلیات بحرايضم خانمه میدهم و امیدوارم آقای دکتري هدايتي که واقعاً يکي از همکاران فاضل و دانشمند ما هستند و استاد دانشگاه حقوق هستند و اکثر قضات داد گستری از شاگردان ایشان بوده اند بتوانند با آن فعاليتی که دارند این اصول را در نظر بگیرند، و بخصوص توجه بوضع آقایان قضات و ریشه کن کردن این اعمال نفوذ در دستگاه داد گستری توجه کامل مبذول بفرمایند تا این دستگاه بتواند روز بروز اعتماد عمومی را جلب کند و در توسعه و اصلاح برنامه عمرانی و آبادانی مملکت ما که در شرف اجراست بتواند کمک مفید مؤثري بکند (احسنت)

نسبت بامور معصلمین در خارجه شنیده بودم که امروز میخواستم بالنسبه اظهارات مفصلي بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم ولی چون گفته شد که ممکن است این فکرها عملی نشود و معصلمین بتوانند راحت بامور تحصیل خودشان ادامه بدهند بنده از عرض توضیحات بیشتري فعلاً خودداری میکنم ولی چون جناب آقای ذوالفقاری معاون جناب آقای نخست وزير اينجا تشریف دارند بایشان عرض میکنم، ممکن است یادداشت بفرمایند، صحبت بفرمایند حقیقه موجب تأثر است که اولاد ما که در خارج برای آنجا مملکت باید تربیت بشوند عوض اینکه ما وسائل تحصیل آنها را بطور رضایتبخشی فراهم کنیم دائماً آنها را در يك تضییقاتی میگذاریم (صحیح است) این واقعاً قابل تحمل نیست (احسنت، احسنت)

۳ - اخذ رأی و تصویب لایحه اجازة دریافت ششصد میلیون ریال وام جهت ساختمانهای دانشگاه و دانشکده های شهرستانها

رئیس - لایحه ای که بسنا فرستاده شده بود و از سنا رسیده راجع به ششصد میلیون ریال قرضه فرأنت میشود و رأی گرفته میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی در پاسخ مرقوم شماره ۱۲۴۵۰ - ۱۳۲۶ راجع بلایحه اجازة دریافت مبلغ ششصد میلیون ریال وام از بانک ملی جهت ساختمانهای تهران و دانشکده های شهرستانها اشیاء میباید.

لایحه مزبور در جلسه روز چهارشنبه چهاردهم اسفندماه ۱۳۲۶ مطرح و عیناً بتصویب مجلس سنا رسید.

رئیس مجلس سنا - محسن صدر رئیس - رأی گرفته میشود با ورقة آقایان موافقین ورقة سفید میهند (اسامی آقایان بوسیله آقای نقیه الاسلامی (منشی) بشرح زیر اعلام و اخذ رأی بعمل آمد)

آقایان: یونسور اعلم - قوام - دکتري در ديبيا - سفاری - خرازی - دکتريينا - مهندس قبادظفر - عبدالعزيم بختيار - سراج حجازي - حشمتي - فضائي مهندس هدايت - مهندس جفرودي - يارافشار - کورس - ساکيتيان - دکترييندول فریدون افشار - سلطانی - بزرگ ابراهیمی بزرگ نیا - صدرزاده - بیات ما کو - علامه وحیدی - شادمان - دهستانی - مهندس فرور - مشار قائم مقام - اردلان - دکتري امیرحکمت - دکتري نيروند - دکتري نسبي - دکتري امیرحکمت - دکتري امیرحکمت - دکتري نسبي - دکتري نسبي - دکتري نسبي

رئیس - آقای اردلان

رئیس - کلیات مطرح است، آقای بهادری.

بهدادری - بسیار جای خوشوقتی است که دولت يك چنین لایحه ای تقدیم مجلس کرده است و با این فکر افتاده که در قسمت فلاحیت يك قدمهای مفیدی برای رفاه حال زارع و تولید کشاورزی این مملکت بردارد امروز صبح که بنده آمدم مجلس تابلو مخالف و موافق را دیدم چون قسمت فلاحیت بود و خوشبختانه بنده زنده گیم! اکثر روی فلاحیت گذشته و در قسمت کشاورزی مطالعه کرده ام يك ایراداتی داشته ام جزء مخالف اسم نوشتم بانك کشاورزی که ما در این مملکت داریم و سایرین در آواست که این بانك در مملکت تشکیل شده هنوز این بانك نظر بنده مفید بحال زارع و مالک نبوده است و عیناً مثل يك دستگاه عراقی است (صحیح است) بانك کشاورزی کارش این است که پولی وام بدهد يك نزول بیشتری بگیرد، يك وقتی هم يك جوانی آنجا درست کرده بودند و از آن يك عوامی میگرفتند حالا نمیدانم هست یا نیست، اما این مملکتی که خداوند واقفاً همه گونه نعمتی بآن داده ما هنوز از قسمت زراعت این مملکت استفاده ای نمی کنیم، زراعت این مملکت آقایان بهتر استحضار دارند بهمان روی عهد دقبانوس است زراعت باگراست بآن کار آفتهای قدیمی و هنوزه يك زراعت این مملکت مدرن نشده و تازه هم اگر چند تا تراکتور باین مملکت آورده شده و ساواش نیست، اگر يک روزی تراکتوری در مراغه خراب بشود و سه ماه باید بخوابد و باید در تهران تا آنرا درست کنند و وسائل آنرا تهیه کنند و بعد برود آنجا پس ما هنوز نتوانسته ایم که زراعت این مملکت را مدرن کنیم، مخصوصاً با علاقه و توجهی که شخص اعلیحضرت همایونی در امور فلاحیت دارند و اکثر هم اوامری نسبت بامور فلاحیت و زراعت صادر میفرمایند و مخصوصاً خودشان نیز علاقه مندند که زراعت این مملکت را صاحب ملک و آب و زنده گي کنند به پیروی از نیا شاهنشاه باید مخصوصاً دولت يك قدمهای مفیدی برای مدرن کردن فلاحیت و آسایش این طبعه زارع بردارد، آقایان توجه دارند که قسمت اعظم ساکین دهات کارشان را ولی کنند میباید تهران و اکتفا میکنند بروزی هشت تومان، نه تومان میروند کار میکنند، الان قسمت اعظم اهالی دهات سراسر ایران میشوند میباید بشهرها و تهران این لایحه ای که بنده دیدم نسبت با زیاد سرمایه بانك است حق این بود که در این يك تجدید نظری در قسمت آیین نامه ها و معاملاتی که بانك بازرعین دارد بعمل بیاید، اگر امروز يك زارعی یا مالکی بخواهد از بانك کشاورزی پول قرض بگیرد اولاً يك زمان طولانی وقت لازم دارد، يك تشریفات و مقرراتی دارد باید سه چهار ماه بلکه بیشتر برود دنبال این مقررات تازه

رئیس - کلیات مطرح است، آقای بهادری.

بهدادری - بسیار جای خوشوقتی است که دولت يك چنین لایحه ای تقدیم مجلس کرده است و با این فکر افتاده که در قسمت فلاحیت يك قدمهای مفیدی برای رفاه حال زارع و تولید کشاورزی این مملکت بردارد امروز صبح که بنده آمدم مجلس تابلو مخالف و موافق را دیدم چون قسمت فلاحیت بود و خوشبختانه بنده زنده گیم! اکثر روی فلاحیت گذشته و در قسمت کشاورزی مطالعه کرده ام يك ایراداتی داشته ام جزء مخالف اسم نوشتم بانك کشاورزی که ما در این مملکت داریم و سایرین در آواست که این بانك در مملکت تشکیل شده هنوز این بانك نظر بنده مفید بحال زارع و مالک نبوده است و عیناً مثل يك دستگاه عراقی است (صحیح است) بانك کشاورزی کارش این است که پولی وام بدهد يك نزول بیشتری بگیرد، يك وقتی هم يك جوانی آنجا درست کرده بودند و از آن يك عوامی میگرفتند حالا نمیدانم هست یا نیست، اما این مملکتی که خداوند واقفاً همه گونه نعمتی بآن داده ما هنوز از قسمت زراعت این مملکت استفاده ای نمی کنیم، زراعت این مملکت آقایان بهتر استحضار دارند بهمان روی عهد دقبانوس است زراعت باگراست بآن کار آفتهای قدیمی و هنوزه يك زراعت این مملکت مدرن نشده و تازه هم اگر چند تا تراکتور باین مملکت آورده شده و ساواش نیست، اگر يک روزی تراکتوری در مراغه خراب بشود و سه ماه باید بخوابد و باید در تهران تا آنرا درست کنند و وسائل آنرا تهیه کنند و بعد برود آنجا پس ما هنوز نتوانسته ایم که زراعت این مملکت را مدرن کنیم، مخصوصاً با علاقه و توجهی که شخص اعلیحضرت همایونی در امور فلاحیت دارند و اکثر هم اوامری نسبت بامور فلاحیت و زراعت صادر میفرمایند و مخصوصاً خودشان نیز علاقه مندند که زراعت این مملکت را صاحب ملک و آب و زنده گي کنند به پیروی از نیا شاهنشاه باید مخصوصاً دولت يك قدمهای مفیدی برای مدرن کردن فلاحیت و آسایش این طبعه زارع بردارد، آقایان توجه دارند که قسمت اعظم ساکین دهات کارشان را ولی کنند میباید تهران و اکتفا میکنند بروزی هشت تومان، نه تومان میروند کار میکنند، الان قسمت اعظم اهالی دهات سراسر ایران میشوند میباید بشهرها و تهران این لایحه ای که بنده دیدم نسبت با زیاد سرمایه بانك است حق این بود که در این يك تجدید نظری در قسمت آیین نامه ها و معاملاتی که بانك بازرعین دارد بعمل بیاید، اگر امروز يك زارعی یا مالکی بخواهد از بانك کشاورزی پول قرض بگیرد اولاً يك زمان طولانی وقت لازم دارد، يك تشریفات و مقرراتی دارد باید سه چهار ماه بلکه بیشتر برود دنبال این مقررات تازه

رئیس - کلیات مطرح است، آقای بهادری.

بهدادری - بسیار جای خوشوقتی است که دولت يك چنین لایحه ای تقدیم مجلس کرده است و با این فکر افتاده که در قسمت فلاحیت يك قدمهای مفیدی برای رفاه حال زارع و تولید کشاورزی این مملکت بردارد امروز صبح که بنده آمدم مجلس تابلو مخالف و موافق را دیدم چون قسمت فلاحیت بود و خوشبختانه بنده زنده گیم! اکثر روی فلاحیت گذشته و در قسمت کشاورزی مطالعه کرده ام يك ایراداتی داشته ام جزء مخالف اسم نوشتم بانك کشاورزی که ما در این مملکت داریم و سایرین در آواست که این بانك در مملکت تشکیل شده هنوز این بانك نظر بنده مفید بحال زارع و مالک نبوده است و عیناً مثل يك دستگاه عراقی است (صحیح است) بانك کشاورزی کارش این است که پولی وام بدهد يك نزول بیشتری بگیرد، يك وقتی هم يك جوانی آنجا درست کرده بودند و از آن يك عوامی میگرفتند حالا نمیدانم هست یا نیست، اما این مملکتی که خداوند واقفاً همه گونه نعمتی بآن داده ما هنوز از قسمت زراعت این مملکت استفاده ای نمی کنیم، زراعت این مملکت آقایان بهتر استحضار دارند بهمان روی عهد دقبانوس است زراعت باگراست بآن کار آفتهای قدیمی و هنوزه يك زراعت این مملکت مدرن نشده و تازه هم اگر چند تا تراکتور باین مملکت آورده شده و ساواش نیست، اگر يک روزی تراکتوری در مراغه خراب بشود و سه ماه باید بخوابد و باید در تهران تا آنرا درست کنند و وسائل آنرا تهیه کنند و بعد برود آنجا پس ما هنوز نتوانسته ایم که زراعت این مملکت را مدرن کنیم، مخصوصاً با علاقه و توجهی که شخص اعلیحضرت همایونی در امور فلاحیت دارند و اکثر هم اوامری نسبت بامور فلاحیت و زراعت صادر میفرمایند و مخصوصاً خودشان نیز علاقه مندند که زراعت این مملکت را صاحب ملک و آب و زنده گي کنند به پیروی از نیا شاهنشاه باید مخصوصاً دولت يك قدمهای مفیدی برای مدرن کردن فلاحیت و آسایش این طبعه زارع بردارد، آقایان توجه دارند که قسمت اعظم ساکین دهات کارشان را ولی کنند میباید تهران و اکتفا میکنند بروزی هشت تومان، نه تومان میروند کار میکنند، الان قسمت اعظم اهالی دهات سراسر ایران میشوند میباید بشهرها و تهران این لایحه ای که بنده دیدم نسبت با زیاد سرمایه بانك است حق این بود که در این يك تجدید نظری در قسمت آیین نامه ها و معاملاتی که بانك بازرعین دارد بعمل بیاید، اگر امروز يك زارعی یا مالکی بخواهد از بانك کشاورزی پول قرض بگیرد اولاً يك زمان طولانی وقت لازم دارد، يك تشریفات و مقرراتی دارد باید سه چهار ماه بلکه بیشتر برود دنبال این مقررات تازه

رئیس - کلیات مطرح است، آقای بهادری.

بهدادری - بسیار جای خوشوقتی است که دولت يك چنین لایحه ای تقدیم مجلس کرده است و با این فکر افتاده که در قسمت فلاحیت يك قدمهای مفیدی برای رفاه حال زارع و تولید کشاورزی این مملکت بردارد امروز صبح که بنده آمدم مجلس تابلو مخالف و موافق را دیدم چون قسمت فلاحیت بود و خوشبختانه بنده زنده گیم! اکثر روی فلاحیت گذشته و در قسمت کشاورزی مطالعه کرده ام يك ایراداتی داشته ام جزء مخالف اسم نوشتم بانك کشاورزی که ما در این مملکت داریم و سایرین در آواست که این بانك در مملکت تشکیل شده هنوز این بانك نظر بنده مفید بحال زارع و مالک نبوده است و عیناً مثل يك دستگاه عراقی است (صحیح است) بانك کشاورزی کارش این است که پولی وام بدهد يك نزول بیشتری بگیرد، يك وقتی هم يك جوانی آنجا درست کرده بودند و از آن يك عوامی میگرفتند حالا نمیدانم هست یا نیست، اما این مملکتی که خداوند واقفاً همه گونه نعمتی بآن داده ما هنوز از قسمت زراعت این مملکت استفاده ای نمی کنیم، زراعت این مملکت آقایان بهتر استحضار دارند بهمان روی عهد دقبانوس است زراعت باگراست بآن کار آفتهای قدیمی و هنوزه يك زراعت این مملکت مدرن نشده و تازه هم اگر چند تا تراکتور باین مملکت آورده شده و ساواش نیست، اگر يک روزی تراکتوری در مراغه خراب بشود و سه ماه باید بخوابد و باید در تهران تا آنرا درست کنند و وسائل آنرا تهیه کنند و بعد برود آنجا پس ما هنوز نتوانسته ایم که زراعت این مملکت را مدرن کنیم، مخصوصاً با علاقه و توجهی که شخص اعلیحضرت همایونی در امور فلاحیت دارند و اکثر هم اوامری نسبت بامور فلاحیت و زراعت صادر میفرمایند و مخصوصاً خودشان نیز علاقه مندند که زراعت این مملکت را صاحب ملک و آب و زنده گي کنند به پیروی از نیا شاهنشاه باید مخصوصاً دولت يك قدمهای مفیدی برای مدرن کردن فلاحیت و آسایش این طبعه زارع بردارد، آقایان توجه دارند که قسمت اعظم ساکین دهات کارشان را ولی کنند میباید تهران و اکتفا میکنند بروزی هشت تومان، نه تومان میروند کار میکنند، الان قسمت اعظم اهالی دهات سراسر ایران میشوند میباید بشهرها و تهران این لایحه ای که بنده دیدم نسبت با زیاد سرمایه بانك است حق این بود که در این يك تجدید نظری در قسمت آیین نامه ها و معاملاتی که بانك بازرعین دارد بعمل بیاید، اگر امروز يك زارعی یا مالکی بخواهد از بانك کشاورزی پول قرض بگیرد اولاً يك زمان طولانی وقت لازم دارد، يك تشریفات و مقرراتی دارد باید سه چهار ماه بلکه بیشتر برود دنبال این مقررات تازه

آمدند و خواستند یک هزار تومن وام بدهند باید بشهر و برود ثبت اسناد، مقررات و نزلش را حساب بفرمایند، بنده حساب کردم که بانک کشاورزی باین تراز صدی بیست و چهار بر از عین وام نمیدهد، این است که بنده از حساب آقای وزیر بردارم که مردم منصف هستند و اینجاست شرف دارند استعدا میکنند که یک فکر عاجلی در آئین نامه برای طرز پرداخت و موضوع نزول بفرمایند که خوانند از عین و طریقه ای که محتاجند استفاده میکنند، معلوم یک فکر جدیدی بفرمایند که قسمت اعظم این یواها راه آن طبقه ای بدهند که واقعا در دهن ساکنند و کارزراعتی میکنند؛ نه اینکه مو و بول کنند یک عده ای که در مرکز هستند و به آنها پانصد هزار تومن وام کشاورزی بدهند، عرض کردم بانک کشاورزی قنلا در دستگاه صراف است، عینا مثل بانک کشاورزی با بانک رهبری عمل میکنند و در دهن شرکت های تعاونی که مقدمات آن فراهم شده هنوز بجائی نرسیده و از این سرمایه ای که داده میشود در اختیار آن شرکت های تعاونی بگذارند، این شرکتها آقامفید است اگر این شرکتها را وزارت کشاورزی و سایر قسمتها درست عمل کنند که در دهن یک شرکت تعاونی باشدو احتیاجات زارعین را فراهم کنند این زارع بیچاره مجبور نمیشود که اول فروردین بنده با سایر محصولاتش را از روی ناچاری بطور سلف بشرخ مفت بدست این دلانها بیسارند، البته بنده در اساس مطالب عرضی ندارم؛ اینها یک تذکراتی بود که خواستم استعدا بکنم در آئین نامه ها و طرز پرداخت، اما توجه بفرمایند و تجدید نظری بفرمایند که واقعا طریقه زارع از این سرمایه استفاده بکنند (احسن)

رئیس - آقای اردلان موافقت بفرمایند.

اردلان - در بیانات جناب آقای بهادری، از اینکه تسهیلات فراهم بشود بنده موافقم، منتها اینکه بعنوان موافق اسم نوشتم برای این موضوع بود که اصل لایحه لایحه خوبی است و باین دارم که نمایندگان محترم همه علاقه دارند که این لایحه زودتر بگذرد و اعتباری در بانک کشاورزی فراهم شود تا اینکه بتوانند بکشاورزی این مملکت یک سر و صورتی بدهند و الا باین وضع رجعی که الان در بانک کشاورزی هست بنده هم معتقد هستم هیچوقت زارع نمیتواند از این پول استفاده بکند یعنی ایستد سرمایه سه ماهه، شش ماهه و یک ساله فرعی بپردازند که قادر بپرداخت نیستند، بنا بر این اینجا صحبت شد که آقایان هم بتوانند در این موقع پیشهاد مفیدی برای اینکه نسبت بکشاورزی تسهیلات بیشتری فراهم شود بدهند، تقاضای بنده این بود چون بودجه کل در مجلس شورای ملی مطرح خواهد شد و اگر قرار باشد این

لایحه این گزارش کمیسیون دوشوری تلقی بشود و باز برگردد بکمیسیون سال آینده خواهد رسید و اما سرمایه موقوف نخواهیم شد که این لایحه را بگذاریم. پیشنهادی آقایان نمایندگان امضاء کرده اند که پیشنهادش بجناب آقای رئیس تقدیم میشود که این گزارش یک شوری تلقی شود و لایحه زودتر از مجلس شورای ملی بگذرد، بنا بر این آقایان موافقت بفرمایند بکفورت این گزارش تصویب شود و یک شوری تلقی بشود، البته پیشنهادهایی که آقایان دارند داده میشود و مورد مذاکره واقع میشود با این ترتیب اسامی موقوف میشود که این اعتبارات بانک داده بشود تا مردم بتوانند از آن استفاده کنند.

۵ - معرفی آقای دکتر هدایتی وزیر نخست وزیر
رئیس - آقای نخست وزیر میخواستند تلبا از اظهار لطف و همدردی مقام محترم ریاست مجلس و آقایان نمایندگان در مورد فوت برادر عزیز آقای محمدعلی اقبال صمیمانه سیاستگری کنم، بنا بر اراده آقای دکتر هدایتی استاد دانشگاه وزارت دادگستری منصوب شدند و امروز مجلس شورای ملی معرفی میشوند (نمایندگان - مبارک است)

۶ - طرح و تصویب یک فوریت گزارش لایحه افزایش اعتبارات کشاورزی
رئیس - پیشنهادی رسیده که این گزارش با یک فوریت مطرح شود، قرائت می شود.

(شرح زیر خوانده شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی این- آقایان امضاء کنندگان پیشنهاد میکنند لایحه ۳۵۰ میلیون تومان اعتبار بانک کشاورزی با یک فوریت مطرح بشود اردلان، استخر، صرافزاده، محسن اکبر دهقان، محمودی، (نقته الاسلامی (منشی) و امضاهای دیگر، بازنده امضاء دارد)

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رای گرفته میشود. باین پیشنهاد آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

۷ - مذاکره در گزارش کمیسیون کشاورزی راجع با افزایش اعتبارات کشاورزی
رئیس - دنباله کلیات مطرح است آقای دکتر دادفر.

دکتر دادفر - بنده چند روز قبل فرصت پیدا کرده بودم که با جناب آقای وزیر کشاورزی در باره این لایحه صحبت کنم و نظریات خود را

با اطلاع ایشان برسانم، مباحث هم کردم صحبت هم کردم ولی به نتیجه قطعی نرسیدم و یا بمرت دیگر بنده قانع نشدم، بنده معتقدم حالا که این قدم بزرگ برداشته شده است و واقعا بنا بامر اعلیحضرت همایونی که همیشه توجه خاص باز دارد تولید این مملکت دارند این پول یعنی ۳۵۰ میلیون تومان بامور کشاورزی اختصاص داده شده است کمال بی انصافی است که در اثر عدم مراقبت و دقت ما این پول مصرف بشود بدون اینکه یک اثر قطعی و یک اثر روشنی از آن در مملکت هویدا شود وقتی یک همچو لایحه ای بجناب میاید وقتی دولت می خواهد یک همچو برنامه ای اجرا کند باید بگوید من با این پول مثلا ده هزار تن بیجان غله مملکت اضافه میکنم، برنامه من این است که بعد از تهیه این اعتبار ده هزار هکتار بر میزان اراضی مزروعی اضافه خواهد شد، با اینکه باغ جای توسعه پیدا خواهد کرد، یا اینکه قنلابا چندر اضافه خواهد شد، حالا ما این را تصویب می کنیم بعد از پنج سال می فهمیم که اثر این لایحه بعد از دادن پول چه بوده؟ بعد از اجرای این لایحه چه خواهد شد معلوم نیست، وقتی یک همچو لایحه ای می آید باید برنامه اش جزئی باشد که معلوم بشود از این پول و از اجرای این لایحه تعولی در امر کشاورزی مملکت و درجه رشته هائی ایجاد خواهد شد بنده البته تصور می کردم که دو شوری خواهد بود ولی خوشبختانه یا بدبختانه یک شوری شد و بنده می خواستم عرض کنم که اگر این ۳۵۰ میلیون پول بوام داده شد بعد از دو سال، سه سال، چهار سال ما چطور بفهمیم که اثر این وام در اجتماع چیست؟ چون یک آماری در گزارش نیست. ممکن است در کمیسیون خاصی این بحث شده باشد، اما این قبیل امور باید جزء برنامه و جزو لایحه باشد و یک پیشنهادی هم در این زمینه تقدیم داشته ام. دومین تذکر بنده این است که بتجربه ثابت شده است که وام در این مملکت چه در امور صنعتی و چه در امور کشاورزی بسیار مفید بوده است ولی اگر چنانچه در نحوه این وام و طرز اجرای این وام یک مقررات خاصی در نظر گرفته نشود نتیجه منظور بدست نیامده و نمی آید. خود بانک کشاورزی الان شاید در حدود چندین سال است مشغول وام دادن و تقویت کشاورزان شده ولی جز در موارد محدودی این وام تاثیر خاصی در وضع کشاورزان نکرده. بدلیل اینکه این وام نصیب کسانی شده است که در امور کشاورزی بکار نبرده اند و اینها اگر بکار برده اند باز بهره دادند و از بس گرفته بیخ و خمهای آئین نامه ها و اساسنامه ها بوده اند آن طوری که لازم بوده اثر مطلوب گرفته نشده، البته قدری مؤثر بوده و این بانک

کشاورزی کمک کرده است ب مردم ولی بانک برنامه و سرمایه خوب مدت یک میتوان بهتر از این نتیجه گرفت. مملکت ما آقا ۵۰ میلیون هکتار زمین بایر دارد که مستعد برای آبادی است ۵۰ میلیون هکتار یعنی هر خانواده اگر همه را کشاورز حساب کنیم ۲۰ هکتار زمین میرسد، الان تمام این زمینها زیر آب دارد و بهترین خاک را دارد برای زراعت و میشود اینها را با یک برنامه ای آباد کرد و قابل کشت کرد و تعویب مردم داد عوض اینکه ما برویم توی گودی ها یک مقداری زمین را تقسیم کنیم بین مردم عوض اینکه زمین مردم را تقسیم کنیم زمین خداداد آباد کنیم بدیم دست مردم، از طرف دیگر برنامه ما باید این باشد که مالکیت را توسعه بدیم و هر چه بیشتر مردم را مالک کنیم و باین آب و خاک علاقتند کنیم این برنامه خوب است ولی باید کمک هائی هم بشود منتها باید وام بگسانی داده بشود که بکار کشاورزی اشتغال دارند فعلا وام اغلب بگسانی داده میشود که مالکند و سرمایه دارند، رعیت چه استفاده ای می برد؟ بنده که دکتر دادفر هستم می آیم پانصد هزار تومان وام میگرم پانصد هزار تومان هم خودم میگذازم صد هزار هکتار زمین را آباد میکنم مشوم مالک عمده در صورتیکه مقصود تشکیل خرده مالک است اعلیحضرت همایونی در این کار پیشقدم شدند تشکیل بانک و دادن وام چه فایده دارد ما باید زمین های مزروعی مملکت ما را آنکه در دامنه کوهها و صحرا بایر افتاده و قدیم آباد بوده با ایجاد قنوات بی زمین بدیم این هنر است و الا با این لایحه فقط کسانی استفاده خواهند کرد که سرمایه دار هستند و این صحیح نیست که ۳۵۰ میلیون تومان را بدیم ب مالکین ما اگر میتوانیم باید از سرمایه داران و آبادی زمینها استفاده کنیم سرمایه آنها را هم جلب کنیم آنها را هم شریک کنیم و باین ترتیب در نتیجه تعداد زیادی از افراد دارای آب و خاک و زمین میشوند ما خوشبختانه برای اینکار یک الگو نمونه ای در دست داریم همین عمل در دشت مغان و در دشت گرگان نتایج بسیار خوبی داده است ملاحظه بفرمایند الان در دشت گرگان بر اثر کمک خاصی که سازمان برنامه و بانک عمران کرد، است الان در حدود ۱۰۰۰ ششصد تراکتور کار می کند (صغاری- بیشتر) چرا؟ رای اینکه کمک کرده اند بگسانی که آنجا مشغول کشاورزی هستند و در نتیجه آن رعایا رفته اند با کمک هائی که شده زمینها را آباد کرده اند و هم بجز این قابل ملاحظه ای بکشت زمین اضافه شده و رفزداد محصول آنجا که پیشو گندم بس بهره دادند و از بس گرفته بیخ و خمهای آئین نامه ها و اساسنامه ها بوده اند آن صاحب زمین و خانه شده اند و در راه بسر می برند یا در دشت مغان که دولت یک سرمایه ای گذاشت و عملیات عمرانی بزرگ

محققم قرار گرفت موافقت بفرمایند حال ممکن است ایراد بشود که وزارت کشاورزی بگوید من خودم این برنامه ها را اجرا میکنم چنانکه خود جناب آقای وزیر کشاورزی فرمودند ما خودمان مشغول این کارها هستیم و اراضی با برمان را آباد میکنیم این البته بسیار صحیح است و جای خوشوقتی است ولی باین اعتباراتی که شما دارید نمیشود آن نتیجه مطلوب را گرفت هر روز که ۳۵۰ میلیون تومان در دستستان نیست که بمصرف اینکار برسانید اگر وزارت کشاورزی این متدوس سیستم را درست تشخیص داده چرا یک مقدار از این پول را باین کار تخصیص نمیدهد؟ چرا نمی گیرد من با این پول ده تا ده ایجاد میکنم باین ترتیب بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم اگر در کلیات بعنوان مخالف عرض کردم برای این بود که در موقع طرح پیشنهاد بیش از ۵ دقیقه نمی توانم صحبت کنم و الا با خود لایحه بعنوان اینکه یک اثر خوب عمرانی در مملکت ما خواهد داشت و برای اولین بار دولت باین فکر افتاده است موافقم و بسیار متشکریم که این لایحه را دولت آورده است و این پیشنهاد اگر مورد توجه واقع بشود بسیار خوب است

رئیس - آقای وزیر کشاورزی

وزیر کشاورزی - فرمایشات آقای دکتر دادفر را اگر بخواهم جواب عرض کنم باید از آخر شروع کنم برای اینکه ایشان روی یک اصل کلی بانظم کنندگان لایحه اختلاف نظر دارند و آن این است که جناب آقای دکتر تصور می کنند که بهتر است با این پول چند دهه جدید ایجاد کرد آبادی بزرگ ایجاد کرد. می خواهم خدمتشان عرض کنم بعضی اوقات تقدیمی- شود که چرا دولت کارهای بزرگ عمرانی میکند و این پول را تقسیم نمیکند در تمام مملکت مثلا می گویند چرا سید رود را می بندند و مبلغ گزافی خرج میکنند و بجای ایجاد این سد سفید رود چرا خرج این سد را صرف قنوات میکنند و میگویند اگر ما بیابانها را شمع در اطراف یک فضای روشن کنیم، فضا را روشن میکنیم و روشناهی هم بطور عدالت تقسیم میشود تا یک چاه را در اصلاح صرف چیز دیگری شده است و وزارت کشاورزی باینک اطلاع می دهد و بانک میرو و سراغش بول را پس بگیرد - برای این اعتبار ۳۵۰ میلیون تومان اتفاقاً برنامه از این هم بسیار دقیقتر و سخت تر است - تعیین شده است که تا چه مقدار پول را شعبات بانک کشاورزی میتوانند بوام بدهند تا چه مقدار را بانک کشاورزی تهران می تواند بدهد و از چه مقدار که تجاوز بکند باید بیاید، یک کمیسیونی که یک نفر نماینده وزارت کشاورزی و یک نفر نماینده شورای اقتصاد و یک نفر نماینده بانک کشاورزی در آن کمیسیون هستند و از

بواسطه نداشتن بذر و یا نداشتن غذای خانواده خودش احتیاج پول بیدامی کند و سلف نروشی میکند که دلالتها اجناس را با قیمت ارزانی میفرماید بنده آن نروی که فرمودید و بعد بقیه گزافی میفروشند باین شخص کومک میکنیم. بگسانی که میخواهند قنات جدیدی ایجاد کنند یا قنات های سابق را عمران کنند که باین ترتیب از کومک دولت استفاده کرده باشند پس این اساس طرح است و این پول اختصاص داده شد برای کومک تمام کشاورزان، کشاورزان کوچک و متوسط چیزی که در این طرح است، و در این برنامه منظور شده بکمتر هم برای کارهای بزرگ است، کارهای بزرگ راه مجبوریم پول بدیم، ملاحظه بفرمایند یکی از احتیاجات این مملکت زیتون است درخت زیتون از روزی که میکارند یعنی قلم بزنند تا روزی که بار میدهد ده سال وقت میخواهد کدام سرمایه داری یا کدام زارعی را میشود وادار کرد که یک کاری کند که ده سال بعد حاصلش را بردارد؟ اشخاص عادی نمی کنند، برای این کار نیاز است دولت کومک کند و وام طویل المده بدهد بگسانی که بروند در زمینشان زیتون کاری بکنند که انشاء الله ده سال بعد زیتونش بیازار بیاید و تمام افراد مملکت استفاده بکنند و مازوتون از ایتالیا و سایر جاها بیآوریم (صحیح است) فرمودند سابقاً پولهایی که بانک کشاورزی فرض داده استفاده کامل از آنها نشده و گاهی اوقات پولهایی که گرفته اند صرف کارهای دیگری کرده اند، بنده بدون اینکه راجع بگذشته صحبتی بکنم - عرض میکنم برنامه آینده اینجوری نیست اولاً بانک کشاورزی وضعش این جور است که پولهایی که قرض میدهد بوزارت کشاورزی اطلاع میدهد تا در صورتیکه وزارت کشاورزی لازم بداند مجرمانه تحقیق بکند که آیا این پول صرف این کار میشود و یا نمیشود اگر صرف آنکار شده باشد ساکنیم و اگر چنانچه آن پول صرف آن کار نشده باشد مثلا یک پولی برای ایجاد فلان قنات در یک شهرستانی گرفته شده است و تمام این پول آنجا خرج نشده و یا اصلاح صرف چیز دیگری شده است و وزارت کشاورزی باینک اطلاع می دهد و بانک میرو و سراغش بول را پس بگیرد - برای این اعتبار ۳۵۰ میلیون تومان اتفاقاً برنامه از این هم بسیار دقیقتر و سخت تر است - تعیین شده است که تا چه مقدار پول را شعبات بانک کشاورزی میتوانند بوام بدهند تا چه مقدار را بانک کشاورزی تهران می تواند بدهد و از چه مقدار که تجاوز بکند باید بیاید، یک کمیسیونی که یک نفر نماینده وزارت کشاورزی و یک نفر نماینده شورای اقتصاد و یک نفر نماینده بانک کشاورزی در آن کمیسیون هستند و از

زارعین بدهند با تشریفات کثرتی، حتی موضوع ثبت اسناد و معاضد رسمی در پیش بود که وزیر کشاورزی معتقد بود که هر چه ما وام را سهل تر بکشاورز برسانیم بهتر است و بانک را با تشریفات دراز و ممتدی مواجه نکنیم تا بتواند بزارع وامی بپردازد اگر یک مقداری در امر زراعت مطالعه بفرمائید می بینید این زارع ایرانی بدبختی چیست و این قسمت از عقیده جنابعالی حل می شود برای مثال یک قسمتی را عرض میکنم زارع مازندران و گیلان برنجکار است طرز تقسیم محصول بین زارع و ارباب یا مالک ده طوری است که از هر هکتار شش هفت هشت بار حداکثر به مالک میرسد و زارع در مقابل ۱۲۰ و ۱۱۰ بار میبرد ۸ بار ارباب می دهد با این حال همیشه هم زارع فقیر است چرا؟ برای این که یکمده دست فروش از اول زمستان شروع میکنند زارع را با قیمت روز جنس میدهند و از ش قبض سرخرمن می گیرند وقتی بخرن رسیدن جنس این بدهت را با حداکثر قیمت می گیرند و بقیه بجا نماند از حالا که یواش یواش سیاه بهار و گرسنگی است بهمان بیچاره بنده خدا بقیمت گزاف می فروشند الان بنده در آمل و بابل و نورو کجور دیست سبده نفر از همین افراد را نشان میدهم شاهد بنده هم آقای خلعتبری همسایه خود آقا ست، وزارت کشاورزی از این پول استفاده ای که می خواهد بکند اولش اینست که این زارع را از حیث زندگی سالیانه با فرض قلیل المدینه هشت ماهه ده ماهه ای تقویت کند که اقل آن دلال نباید بجاییش یکی از مواردی که مورد استفاده او خواهد بود این خواهد بود در آذربایجان این عمل کمتر است برای اینکه آذربایجان زارعش متمول است و احتیاجی باین کار ندارد و اینحال آنجا هم اینجور کسانی هستند که خون زارع را میکنند و آنها از مالک خطرناکترند خدا شاهد است اما موضوع وام دادن قفاص قبل از جنایت نفرمائید، بعقیده بنده اگر مالکین قرض میگيرند برای اینست که آن قرض را برای استفاده و توسعه ملک مصرف کنند اگر استثنائاً شادی نخواستند چنین اتفاقی رخ داده باشد که دو نفر سه نفر پنج نفر یک پول همدای گرفته باشند و بمصرف نرسانده باشند این را بنده نمیدانم چون در بانک کشاورزی وارد نیست و اگر اصولاً کسی از بانک کشاورزی قرضی کرد باید اول پیروز را بدهد و پیروز مورد بازرسی و بررسی واقع شود بعد از آنکه تصویب شد که این کار قابل اجراء است و مجری اجراء خواهد کرد بعد باو باقسطا ممتدی باو میدهند و می از او کار می خواهند هر جا هم کار متوقف شد بهش نمیدهند و هر جا هم کاری انجام نشد پاسدی نیست و

مذاکرات مجلس شورای ملی

چهار از شس میگیرند، باین ترتیب به عقیده بنده نظر جنابعالی تأمین است یک نکته ای که هست این است که بایستی به کشاورز عامل، مالک را عرض نکنیم، آن کسانی که از این پول استفاده روزمره خواهند کرد یعنی زارع در باره اوتتشریفات را کم کنید در وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی طوری عمل کنند که تسهیل در بر گرداند، اگر این قسمت تأمین شود همش بشود ضمناً در آخر سال هم پول را بر گرداند، اگر این قسمت تأمین شود بعقیده بنده زارع فرد مملکت از این کار استفاده بزرگ خواهد کرد و نظر آقایان تأمین است. (احسن)

رئیس - آقای خرازی
خرازی - یکی از ارکان اساسی امور اقتصادی موضوع اصلاح کشاورزی است. همه اش صحبت می شود که بایستی سطح تولیدات کشاورزی بالا رود، محصول ارزان تمام شود و آن قسمتهایی که باید صادر شود که بتواند در بازار دنیا با نرخ بین المللی رقابت کند همیشه هر وقت صحبت میشود مخصوصاً در محافل اقتصادی همه میگویند که میخواهیم کشاورزی را اصلاح کنیم و سطح تولیدات را بریم بالا البته وزارت کشاورزی یک وزارتخانه ای است که باید کشاورزی کشور را از زمین و مالکین کشاورزی را راهنمایی کند و در موضوعات اساسی آنها کمک کند ولی در تمام ممالک راقیه اساس کومکهارا در هر رشته ای از امور اقتصادی بانکها میکنند، مثلاً اگر نظر تان باشد بعد از تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از لبنان فرمودند که من دیدم کشاورزی در لبنان خیلی پیشرفت کرده است وقتی پرسیدم گفتند که ما فقط دو تا مالک داریم که هر کدام سی هزار هکتار دارند بقیه همه خرده مالکند و باز اگر نظر آقایان باشد بنده عرض کردم بهمین مرگبات و همین سببهائی که در لبنان تهبه می شود و میلیونها صادرات دارد بانکهای مهمی عقب آنها هستند بزارعین و مالکین کومک می کنند آقایان استحضار دارند قانون دیست و پنجاه میلیون دلار وام آمریکا در سال ۱۳۳۳ در کتابینه سیهید فضل الله زاهدی گذشت در آن قانون یک ماده ای جناب آقای ارسلان خلعتبری پیشنهاد کردند و تقاضا کردند بیست و سه میلیون دلار از این وام داده شود و کمک بشود ببنایک های رهنی و کشاورزی و ساختمانی، الان سه سال و ده ماه می گذرد در علامتندی دولت همین بس که یک کار اساسی را سه سال و ده ماه بدلیلایه آوردند از تفاوت یشتوانه اسکنا سبصد و پنجاه میلیون تومان ب سرمایه بانک کشاورزی اضافه کنند و سه تا دولت آمده ورفته و تازه یک همچو لایه ای را آورده اند مجلس همکار محترم آقای دکتر دادفر بسیار تذکرات خوبی دادند راجع بنوع استفاده از این وام ما

جلسه ۱۷۷

در مملکت بیک تحولانی از دو نظر احتیاج پیدا می کنیم یکی از نظر تأمین مواد غذایی و یکی از نظر صادرات و بعضی از محصولات زراعتی هستند که دارای این دو جنبه هستند مثل چای ما در حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ میلیون تومان چای وارد می کنیم هم احتیاج داریم در داخله برای چایمان را تکمیل کنیم و توسعه بدهیم و هم اینکه بخرارج صادر کنیم بنا بر این همانطوری که گفته شد البته تیمسار وزیر محترم کشاورزی اینجا تذکر دادند ولی باید نمایندگان ملت هم نظریات اصلاحی خودشان را بفرمایند البته جزئیات را ما نمیخواهیم اگر یک کسی بخواهد استفناج و تریح بکار د باین نباید کمک بکنند حتی بعقیده بنده اگر درخت میوه هم بخواهد بکار د نباید کمک بکنند ولی اگر احتیاج داریم بغلات باید برای تولید آن کمک شود همین مسأله غلات که دبارت از گندم و جو و برنج است، گندم وجود دست دولت است و دولت دخالت می کند سال گذشته هشتاد هزار تن از امریکا بخریدند بیست هزار تن هم بطور اعانه امریکائی ما بسیل زدگان دادند و ده هزار تن هم شورویها دادند یعنی ما ۱۰۰ هزار تن کمبود غلات داشتیم و وارد شد در صورتی که برنج که دست مردم است علاوه بر اینکه ما گس نداریم اضافه داریم و هیچ آقایان نشنیده اند که بگویند امسال برنج برای مصرف داخلی کم است، برنج علاوه بر اینکه برای مصرف داخلی ما تأمین است سالی پنجاه شصت هزار تن هم اضافه آن را بخرارچه صادر می کنیم این برای اینست که دست مردم است گندم و جو دست دولت است آن نتیجه اش است، بنده هم مثل آقای دکتر دادفر عقیده دارم این وامهایی که می خواهند بزارعین و مالکین بدهند اینها را اول تشخیص بدهند باصلاح بذر و بعد اگر کسی قنواش دارد می خواهد این قنواش را تنقیه بکنند هم از سازمان برنامه استفاده بکنند و هم از این قسمت چون دوم آب است بعد هم اختصاص بدهند برای ماشین آلات کشاورزی حفر چاههای عمیق، کود شیمیائی، البته دفع آفات نباتی و حیوانی را خود وزارت کشاورزی همه ساله بر حسب بنیه و مقوراتی که دارد جدا اقدام می کند و ما به خوش وقتی است ولی میآیند میگویند ما قفلوام میدهم بجائی وام میدهم به بنیه وام میدهم بچقدر وام میدهم به توتون وام میدهم به ابریشم و دانه های روغنی و همین زیتونی که فرمودند عرض کنم ما در این کمیسیون سازمان برنامه سال گذشته که چهل و هشت نفر بودند صحبت شد گفتیم که سازمان برنامه در ظرف پنج سال رفع نیاز بکنند از واردات قند و شکر و پارچه های نجی ما بطور متوسط سالی

انحصار دخانیات اداره شود، اما این که اینها را هیئت مدیره برایش انتخاب کردند منظورشان این بود که اشخاص صلاحیت دار اشخاص واجد شرائطی که لااقل بدانند بانک و بانکداری یعنی چه سر این کارها بگذارند ولی امروز از این ناراضی می شوند بانکش میکنند بانک ناراضی دیگر میکنند باید در امور اقتصادی این توجه را بکنند اشخاصی که صلاحیت دارند در امور اقتصادی بگذارند که آنها بتوانند این سرمایه ها را در معرض استفاده کامل قرار بدهند و اگر قرار باشد بنده که از هیچ کاری اطلاع ندارم بنده را بگذارند سر بانکی همین است که ملاحظه می فرمائید و همین آش است و همین کاسه

رئیس - آقای خلعتبری موافقید؟
خلعتبری - مخالف مشروط در ماده (۲) آقای وزیر کشاورزی
وزیر کشاورزی - بنده لازم است توضیحی عرض کنم که برنامه ای که برای صرف این پول تهیه شده شامل چیست؟ اولاً او هر سال وزارت کشاورزی مکلف است برنامه کومک بکارهای کشاورزی را تعیین کند، این برنامه معنایش اینست که حساب صورتی که اگر حسابی در کار باشد و این محصولاتی که هم ما در داخله احتیاج داریم و هم صادرات ما را تشکیل میدهند اگر به آنها توجهی شود هم رفع احتیاج داخلی می شود و هم صادرات پیدا میکنند به نظر بنده آن برنامه ها اگر بیاید بکمیسیون کشاورزی و کمیسیونهای مربوطه مجلس و ببنند بعقیده بنده بهتر است، یکی میآید می گوید من میخواهم باغ احداث کنم البته ما حرقی نداریم اگر سبب تهیه کند برای صادرات و با دفع آفات مرگبات و انتقال ما را بکنند که هم در داخله مصرف شود و هم بخرارچه صادر شود ما حرقی نداریم بنده میخواهم از موقع استفاده کنم متأسفانه آقای نخست وزیر تشریف بردند و آقای وزیر دارائی هم همین طور ولی آقایان وزیر دادگستری و وزیر کشاورزی و معاون نخست وزیر و معاون وزیر کشور تشریف دارند بنده این را گفته ام و این عقیده را داشته ام دولت در انتصابات و اجرائیات خودش هر کاری می تواند بکند ما دخالت در فوه اجرائیه نمی کنیم ولی اگر بخواهید امور اقتصادی درست شود این بانک ها و شرکت هایی که دارد این اشخاصی که اصلاً از کار بانک سر رشته ندارند اشخاصی که از کار رکت ها سر رشته ندارند اینها را سر این جور کارها بگذارند چرا ناراضیا را بوسیله دادن یک دست دوزخ و بانصه تومانی و یک اتوبیل راضی می کنند اینها کارشان را بلد نیستند خدا رحمت کند مرحوم داور را وقتی آمد این بانکها درست کرد و شرکتهارا درست کرد اگر منظور این بود که اینها بطور بازگانی و فنی اداره نشود می گفت مثل اداره گمرک مثل اداره کل قند و شکر اداره کل

مذاکرات مجلس شورای ملی

ولی کرچک ساخته اش هم بفروش میرسد که این محصول را بنام ساخته اش اسم ببرند عرض کنم در مقایسه بین پنجه دانه های روغنی معتقد شدیم که دانه روغنی را باید تقویت کرد بنابر این برنامه وزارت کشاورزی در کومک این خواهد بود مثلاً شصت در صد این کومک برای اعتبارات دام داری و سی درصد برای دانه های روغنی و ده درصد برای پنجه این سه نوع را که مثال زدم برای این بود که آقایان اطلاع حاصل کنند که برنامه روی چه اصلی تنظیم میشود - پس در اول هر سال وزارت کشاورزی برنامه بانشا را برای اینکه درجه رشته ای فرض بدهد تعیین میکند نگرانی که جناب آقای خرازی راجع باینکه ممکن است پول را بگیرند و صرف ایجاد باغ میوه کنند و فرمودند که ما میوه لازم نداریم باین کار نداریم باینکه میوه لازم داریم باین کار باید کومک کرد بانه این نگرانی منتفی است تذکر دیگری فرمودند راجع بپرستادگی باین باید با اطلاع آقایان برسانم که از این ۳۵۰ میلیون در حدود صد میلیون تومان برای کومک روستائیان تشخیص داده شده یعنی یک صندوقهای روستائیان که در دهات و مزارع در همان محل خودش هست بدون وثیقه فقط با تعهد خودش و تضمین یک دهاتی دیگر باو پول قرض می دهند و در موقع محصولش این پول را از او پس می گیرند در حدود صد میلیون برای اینکار است، آقایان توجه داشته باشند که قانون تقسیم خالصجات هم می گوید که ۵۰ در صد فروش خالصجات صرف ایجاد صندوق های تعاونی روستائی بشود یک لایحه ای هم همین چند روز پیش تصویب شده که ۲۰ میلیون از بابت خشکاش کاران سابق به صندوق های روستائی داده شود صرف کومک روستائیان شود ملاحظه می فرمائید که در ظرف ۳ سال آنقدر پول برای این کار تأمین شده که بانک کشاورزی دو دستگاه دولت قادر بتشکیل اینقدر رکت روستائیان است، انشاء الله بتدریج که کار تهیه شود اعتبارات هم تهیه می شود و در تمام دهات ایران صندوق های روستائی وجود پیدا خواهد کردند و فرمودند که خوب است برنامه این کار را بیاورند در کمیسیون های کشاورزی و کمیسیون ها تصویب کنند برنامه باید روی آخرین اطلاعات و آمار تنظیم شود، بطوری که عرض کردم ممکن است ۲ سال ۳ سال لازم باشد دامداری تصویب بشود بعد بیک جانی برسیم بگویند دامداری دیگر لازم نیست و احساس کنیم که بنیه را باید تقویت کرد و باجای را باید تقویت کرد، این برنامه متغیر است بنا بر این این برنامه را نمی شود هر روز آورد کمیسیون کشاورزی، این کار فوه اجرائیه است و آقایان با اعتمادی که بقوه مجریه دارند

باید توجه داشته باشیم که چهل لایحه مقیدی بتصویب میرسد بنا بر این باید سعی کنیم که هر چه زودتر این لایحه بتصویب برسد اما تذکری را که بنده میخواستم بعنوان مخالف مشروط عرض کنم این بود که بیانات همکاران محترم از لحاظ تذکرات بوزارت کشاورزی هر کدام جای خودش قابل توجه است ولی این راهم توجه داشته باشید دولت هم باید توجه داشته باشد این پول ۳۵۰ میلیون تومان است که در پنجسال پرداخت میشود نود میلیون وهشتاد وهفتاد و پنجاه میلیون کشور ترکیه همسایه ما آقایانیکه رفته اند از جمله جناب آقای همدی نوری وسایر آقایان نمایندگانی که تشریف برده اند می دانند اعتبار بانک کشاورزی آنها مطابق احصائیهای بین المللی رسمی ۱۵ برابر ایران است و از بودجه کل هم تازه سهمی بیآنک کشاورزی می دهند آنوقت تفاوت اینست که ما باید اینجا بشیر وارد کنیم چطور بشیر وارد کنیم؟ این کارخانه شیر باستوریزه که تأسیس شده است تصور بفرمائید که تمام شیر طبیعی خودمان را مصرف میکند تازه می تواند مقدار زیادی شیر خشک تهیه کند ولی مقدار شیر طبیعی ما کافی نیست و مقداری شیر خشک از خارج وارد میکنند ب سرمایه برای تأسیسات احتیاجات کشاورزی ما کافی نیست من باب مثال عرض میکنم ما ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ داریم اگر در هر دهی یک گاو شیری خوب بازاد خوب بخواهند بخرند ۵۰ میلیون تومان فقط برای اینکار لازم است حالا ببینید که چقدر گاو داریم که شیر ندارند بخریم کشاورزان ما شیر ندارند بخرند در صورتی که در درجه اول خود کشاورز احتیاج بشیر دارد حالا ما نمیگوئیم در شهرها اغلب کشاورزان ما شیر ندارند و شیر در دهات ما در حکم کمی است پس باید این پول در درجه اول همانطور که صحبت هم است صرف از زیاد در آمد کشاورزی شود اگر در آمد کشاورز زیاد شد شای از سرفقیتهای ما حاصل است مثلاً کشاورز اگر در آمدش از طریق وام زیاد شد فروش نمیکند حوالی بی که لازم دارد میخرد و معقولش را سلف نمیفروشد و سایل خودش را خودش تهیه میکند باغ تهیه می کند کشاورزی خودش را توسعه میدهد کشت خودش را زیاد میکند ترا کتور میخرد مسالمنی است که در درجه اول باید مورد توجه قرار گیرد از زیاد در آمد کشاورز در درجه اول منظور نظر همه ما است در آمد مملکت هم اگر در آمد کشاورزی زیاد شد زیاد میشود جناب آقای خرازی فرمودند احتیاجی باغ نیست خیر اینطور نیست احتیاج باغ هم است اگر باغ بسته در کرمان زیاد شود و باغداران کرمان تقویت شوند بسته تولید کنند در آمد بسته طوری است که بعد از چند سال کشاورزی می تواند تمام وسایلش

وظیفه آن بانک در مجلس صحبت کند از طرف وزارت کشاورزی آقای وزیر کشاورزی در مجلس تشریف می آورند ولی آن امعالی که بانک کشاورزی بجامی آورد بموجب قانون خاصی است که آقای وزیر کشاورزی هم در آن دخالت ندارند اگر هم دخالت داشته باشند دخالتی است که در هیئت مدیره آن دارند چند روز پیش ازلاستان يك نامه ای داده بودند که تقدیم کردم مبلغ مختصری آن هائی خواهند ولی بانک کشاورزی نمیتواند قرض بدهد چند روز قبل در روزنامه اطلاعات خواستم که از یکی از نقاط شمال هزار تومان پول خواسته اند و بانک نداده است و این همان بانکی است که ۱۴ میلیون تومان عمارت می سازد (دکتر بنبا ۱۸ میلیون تومان) اما هزار تومان قرض بفلان زارع شمالی یا فلان زارع جنوبی نمیتواند بدهد حالا جنابعالی می خواهید اختیار را بدست چنین بانکی بدهید که مردم شهرستان ها يك مبلغ جزئی هم قرض ندهند و ما هر روز بیایم پشت تریبون عنوان بکنیم که تکلیف مردم چیست؟ پس باید در این آیین نامه معلوم شود که از این ۳۵۰ میلیون تومان چقدرش را می خواهید بتهران بدهید ۵۰ میلیون می خواهید بدهید بفرمانده ۳۰۰ میلیون آنرا می خواهید شهرستان ها بدهید بفرمانده تصود بنده تعیین میزان سهم شهرستان ها است شیراز و زورشت فرق ندارد و این از نکات اساسی است که باید در قانون ذکر شود و بنده هم در این باب پیشنهادی داده ام و این از نکاتی است که لازم بود مورد توجه قرار بگیرد. مطلب دوم راجع بفرع است اصولاً نظر دولت از قانون بانک کشاورزی که در زمان اعلیحضرت فقید اینجا آوردند چه بود؟ این بود که گریه ها مجبور نشوند حاصل زحمات یکسال خودشان را قبل از وقت بقیمت نازل بفروش بفرسند و بهین هلت سلف فروش بود که رعیت هیچوقت در آسایش نبود آمدند گفتند يك دستگامی را بوجود می آورند که با يك فرع کمتری پول بدهد بکشاورزان که او قبلاً حاصل خودش را بقیمت ارزان نفروشد و زنده گی او تأمین شود آنچه در نظر هست فرع پولی که بانک کشاورزی می دهد صدی شش معین کرده اند و حالا به صدی دوازده رسیده است جناب آقای وزیر کشاورزی فرمودند ما نمی توانیم مآخذی برای فرع معین کنیم در صورتیکه باید يك حداقلی معین شود در لایحه بانک کارگشائی ما معین کردیم برای فلان مبلغ صدی سه و برای فلان مبلغ صدی چهار و تا صدی شش برای مبلغ های بزرگ فرع معلوم شد بنظر بنده ما باید در اینجا میزان فرع را معین کنیم که این پول و کمکی که میخواهند بزارع بدهند چه فرعی است و این لایحه ای را که ما با اسلام و صلوات بنام استفاده مردم

و کشاورزی داریم تصویب می کنیم باید بدانیم حداکثر سودی که از آن ها میگیرند چقدر خواهد بود والا نخواهند توانست آن استفاده ای که لازم است از آن بکنند و باید طوری بزارع فرض داده شود که اشخاص نتوانند با صدی دوازده با سیم کمک و کشاورزی پول بگیرند و با صدی هجده در بازار سفته بازی بکنند این کار صحیح نیست این پول وقتی بدرد کشاورز خواهد خورد که با فرع کم باشد صدی دو باشد صدی سه باشد نهایت صدی چهار باشد و منحصر آ هم بکشاورزی داده شود بصورت ربح مرکب هم نباشد چیز عجیبی است بنده شنیده ام بعضی جاها سه ماه سه ماه حساب می کنند فرع را روی اصل میکنند و بعد اصل و فرع را حساب میکنند و از آن فرع میگیرند (عبدی نوری- کاربانک کشاورزی همین است) دولتی که میخواهد بکشاورز کمک کند نباید از فرع مرکب استفاده کند این از شأن دولت نیست مشکلات دیگری هم بود که لازم بود اینجا تذکر بدهم بعضی از نواحی فارس از بانک کشاورزی تقاضای وام کردند گفته اند چون املاک شما با اصطلاح تهران دیم کار است نمی توانیم بشما قرض بدهیم و با املاک نارباب قرض میدهم بنده خیلی تعجب می کنم از بی اطلاعی آنها چرا؟ برای اینکه بعضی از نقاط هست که املاک دیدش بقدری خوب است یعنی مواهب طبیعی و استعداد طبیعی در آنجا طوری است که ممکن است از هر تخته صد تخم استفاده کنند آنوقت باین چنین ملکی قرض نمی دهند و به املاکی که با خرج زیاد با آب قنات زراعت می کنند قرض میدهند در صورتیکه در آن زمین تخم چند تخم بیشتر نمی دهد این درست نیست آن ملک دیم هم باید قرض بدهند و از این عبارت استفاده نکنند نکته دیگری که من میخواستم اینجا عرض کنم راجع بمسأله آیین نامه است غالباً آقایان وزراء می آیند این جا میفرمایند معطش باشید ما صد درصد تابع نظر آقایان هستیم و نظر همه آقایان را تأمین خواهیم کرد و حتی گاهی هم که نظر هایمان مختلف است همین را میفرمایند و می گویند بطور کلی نظر ما هم همین است و بنده گاهی فکر میکنم و تعجب می کنم چطور ممکن است جمع تضاد بشود و نظر های مختلف را جمع کنند خیلی خوب چرا این بیان را می فرمایند میگویند اگر ما بخواهیم این آیین نامه را از مجلس بگذرانیم طول میکشد چیز عجیبی است در صورتیکه ما شب و روز در این جا مشغول هستیم و داریم در کمیسیونها فعالیت میکنیم خودمان گاه داریم که دولت بدهد خودش وفا نمیکند ولی با وجود این

مقام محترم ریاست و نمایندگان محترم يك طريقی پیدا کردند قوانین را با مشورت های اصولی و کلی در جلسه مباحثه اما آیین نامه ها را در کمیسیونها غالباً با يك جلسه یا دو جلسه چند نفره دوازده نفری نشینند این آیین نامه ها را تصویب می کنند و اهمیت مطلب هم در آیین نامه است چرا؟ برای این که لویجی که دولت می آورد يك مواد عمومی کلی خاق پسندی است اگر يك کسی هم مخالفت بکنند میگویند مثلاً بانک کشاورزی پول نمی خواهد بدهند میگویند شما دارید مخالفت می کنید بنده مخالفت نمی کنم ولی در موقع اجرا وقتی میخواهند این پول را برخلاف مصالح بدست اشخاص ناصالح بدهند بنده جداً مخالفم و آن چیزی که جلوگیری میکند آیین نامه است و خود قانون نمی کند باین جهت باید ما مقید باشیم که همیشه آیین نامه ای را که می خواهند بگذرانند با کمال حسن نیتی که دارند آن آیین نامه را بیاورند بجنس تا اینکه نمایندگان بتوانند نظریات خودشان را در آن آیین نامه تذکر بدهند نکته دیگری که بنده می خواستم در این جا تذکر بدهم راجع بمسأله قراردادها است این البته از نظر قضائی است که عرض میکنم شاید بعضی از همکاران محترم بنده مثل آقای دکتر دادفر و آقای عبدی نوری و آقای نخر طباطبائی که در کمیسیون دادگستری مجلس تشریف دارند میدانند ما يك قوانینی داریم برای اسناد و برای اجرائیه ها اینها ترکز دزداد گستری پیدا کرده است من يك ماده ای اینجا دیدم نوشته است که خود بانک کشاورزی اسناد را تنظیم کند بنده اول خیال کردم که يك دفتری میخواهند ایجاد داشته باشند اسناد را می گیرند و میفرستند بداد گستری اصولاً خود آدمی که طلب کار است خودش پول بدهد خودش سند تنظیم کند خودش اجرائیه صادر کند و خودش هم مأمور اجرا باشد این خلاف اصول است جناب آقای سراج حجازی هم قبل از اینکه بنده این عرض را بکنم در کمیسیون بطور تفصیل این مطلب را مورد بحث قراردادند این کار اصولی نیست اصول اینطور نیست که يك کسی خودش طلبکار اجرائیه صادر کن خودش مطالبه طلب کن این نمی شود و بلا و شما دفاتر اسناد رسمی دارید که هر جا هم کم دارید دفاتر اسناد رسمی بگذارید در آن دفاتر اسناد را ثبت کنید و مطابق مقررات اسناد لازماً اجرا هم از آن اسناد استفاده کنید يك دستگام عظیمی هم مثل وزارت دادگستری در اینکار نظارت می کند این ضرورت ندارد که تنظیم اسناد هم بدست آنها داده شود بنا بر این بنده می خواهم این را عرض کنم اگر چنانچه بخیر کمیسیون کشاورزی که

نرسد ایجاد رقابت می کند اخلاق آنها را فاسد خواهد کرد شاید بستی این پولی را که میخواهید خرج کنید تمام نقاط این مملکت باید از آن بهره مند شوند بنده میدانم که جنابعالی این عقیده و این نیت را دارید ولی عمل گذشته غیر از این است شما هر آماری را که بیاورید اینجاء ملاحظه بکنید می بینید در طهران از قدام بسیار بزرگ از بانک کشاورزی استفاده کرده اند و در شهرستانها غالباً برای يك مبلغ کوچکی معطل مانده اند هزارها اشکال بوده است بنابراین بنده می خواهم استدعا کنم که آقایان نمایندگان محترم پیشنهاد بفرمایند و یا اگر آیین نامه بتصویب کمیسیون مجلسین برسد این نکته را طوری در آیین نامه رعایت بفرمایند که این کم هم از وزن باشد یعنی همه شهرستانها برسد بکنفرانز رقاع و همکاران من فرمودند در گرگان يك فعالیت های کشاورزی شده است بسیار بسیار جای خوشحالی است هر نقطه ای از این مملکت آباد بشود اسباب خرسندی ما است ولی نمی شود فقط در يك نقطه آبادی را شروع کرد آنوقت نقاط جنوب مثل بلوچستان و سیستان در آن درجه از انحطاط باشند تمام مملکت را باید همدوش و هموازات هم بالا برد اینها را باید رسیدگی کرد دولت وقت میتواند اینکار را بکند که در قانون برای او این وظیفه تعیین شده باشد آقایان بنده عرض میکنم آمدن در پشت تریبون و شکایت کردن از این که چرا این قانون را اینطور اجرا کرده اید چرا برشت اینقدر داده اید و به ما نردان اینقدر کم داده اید این حرفها بعد از تصویب قانون نتیجه زیادی ندارد شما که این تجربه های تلخ را دارید در موقعی که این قوانین را می آورند و این توضیحات ما را میخواهند این نکات را درش قید بفرمایند آنوقت اگر برخلاف این نکات عمل کردند نمیتواند سؤال کنید و توضیح بکنید و الا وقتی قانون می آید بطور کلی بگذرد و بعد نتیجه اساسی در آن حاصل نمیشود مثلاً اینجا بیان شد چون شب عید نزدیک است این قانون را تصویب کنید مثل اینکه همین الان این ۳۵۰ میلیون تومان حاضر و آماده است و میخواهند بزارع سمنانی بدهند و منتظرند شب عید برسد معطش باشید که اگر همین الان این قانون تصویب بشود تا چهارم دیگرم این پول بانها نخواهد رسید پس بفرمایید يك مقدار بیشتری صرف وقت بفرمایید که قانون جامعتری درست کنید که افلاک گرفتار شکایت مردم حوزه های انتخابیه و شکایت آنها نتوانیم خیلی معذرت میخواهم (احسن)

فرمودند که میوه احتیاج بکمک ندارد یکی هم عقیده دارد که بنده احتیاج بکمک ندارد يك تجاری هم عقیده دارد که چائی احتیاج بکمک دارد پس تشخیص اینکه چه چیز احتیاج بکمک دارد کار آسانی نیست (مرآت اسفندیاری- شما که گوش نمیکند چه فرق میکنید) این یکی را گوش کردم رئیس - آقایان بین الان بین صحبت بفرمایند.

وزیر کشاورزی - برخلاف آنچه که جنابعالی عقیده دارید که همه زراعت های ما احتیاج بکمک دارد چون پول ما بآن اندازه نیست که بتوانیم بیهوده احتیاجات یکسان جواب بدهیم ناچار باید تناسب را در نظر بگیریم به آنکه واجب است بیشتر کم بکنیم و آنکه کمتر واجب است کمتر کم بکنیم مثلاً فرض بکنیم بین مواد فضائی و مواد صادراتی کدامیک را باید جلو انداخت؟ قطعاً می فرمائید مواد غذائی وقتی که مردم شیر نمیخورند گوشت نمیخورند نان ندارند و گندم را از يك نقطه خیلی دوری باید بآنجا حمل کرد آیا در چنین صورتی باید گفت بتمام محصولات کشاورزی یکسان کمک بکنیم؟ (صدرزاده- گاو اگر علوفه خوب بخورد شیر نمی دهد) گندم کرمان را از خراسان می آورند جنابعالی قطعاً توقع دارید که نان کرمان ارزان باشد نان کرمان چطور می تواند ارزان باشد وقتی گندم در خود کرمان عمل نیاید وقتی تنی صد و پنجاه تومان و دوست تومان گریه بدهند بگندمی که از خراسان حمل می شود یا از اصفهان حمل می شود قطعاً نان آنجا گرانتر پس کشت گندم را کرمان احتیاج بکمک دارد اما آیا خراسان هم احتیاج بکمک دارد وقتی کرمان گندم ندارد برای ایجاد گندم باید کمک کرد ولی بخراسان کمک نمی کنید اما اگر آنقدر پول داشتیم که همه بدهیم بخراسان هم می دهیم بگندم هم می دادیم برای علوفه هم می دادیم بخود دام هم می دادیم می فرمایید که این را بین شهرستانها و طهران تقسیم بکنید من نمی دانم این چه بدبینی فوق العاده است که آقایان دارید که خیال میکنند دولت میخواهد تمام پول ها را در طهران مصرف بکند (نمایند گان - حقیقت است) عرض می کنم این فرمایشات مثل این است که يك دولت باقی وجود دارد آقایان هم هیچ اقتدار و اختیاری روی این دولت ندارند دولتی است منتخب خود آقایان اگر وظایفش را انجام ندهد آقایان هم بموجب قوانین اختیار دارید هر وقت دولت را منحرف می بینید جلوش را بگیرید در صورت لزوم مرخصش میکنید پس این که آقایان میگویند این دولت بحرف ما گوش نداده است این بنظر بنده بیان مناسبی نیست اما این پول و تهران نمی تواند بدهد پس اگر بر نامه

کار کشاورزی بکنند باید پول داد نه اینکه این پول را قسمت کرد و بیهوده بکمان داد اگر یکجائی میتواند زودتر محصول بیاورد برساند بازار نزدیکش هم هست با خرج کمتری جنس مرتبی بازار می آید باین ندهیم و بگوئیم که سهمیه این شهرستان تمام شده و بفلان شهرستان بدهیم مثال میزان در شهر طهران الان يك میلیون و نیم نفر جمعیت است این جمعیت شیر می خواهد آیامیشود پولی که باید برای کمک بدام داری بتهران داد مسواوی کرمان باشد؟ تمام استان کرمان بقدر شهرستان جمعیت ندارد و آیا ممکن است شیر را از کرمان بتهران حمل کرد آیا برای زارع کرمانی و دامدار کرمانی صرف میکند که قرض بگیرد از بانک و شیر عمل بیاورد که کیلویی فلان قیمت و حمل بکنند بتهران که کیلویی دو تومان و سه تومان گریه بر میدارد در صورتی که اصلاً خود شیر هم قابل حمل نیست (صدرزاده - مطالب بنده را تعریف کردند) من فرمایشات آقایان را شنیدم و آنچه بنظر من رسید جواب میدهم از آقایان هم استدعا میکنم توجه بفرمایند چون مطالب را همان جور می که تذکر میفرمایند بنده یادداشت میکنم هر چه بنظر من قابل قبول باشد فوراً می پذیرم و هر چه قابل قبول نباشد دلیلش را خدمتتان عرض میکنم بنده ابراز يك واحد جغرافیائی و اقتصادی می دانم که بایستی محصولاتش مکمل و رفع کننده احتیاجات داخلی درجه اول باشد و بعد تأمین صادراتش را میکند هر کجا که پول زودتر محصول بدهد و آن محصول زودتر تبدیل بیول بشود و جنس زودتر بفروش برسد و احتیاجات مردم را رفع بکند اینجا باید پول را مصرف کرده هیچ صدمی از این که این پول را باید در تهران مصرف بکنند نیست برای این که تهران اتفاقاً ناحیه کشاورزی نیست مواد غذائی و محصولات کشاورزی هم که در تهران مصرف میشود از نقاط دیگری می آید فرض کنید بدبینی بعضی از آقایان صحیح باشد دولت باقی در نظر داشته باشد پس از این که از آقایان این امضاء را گرفت از ۳۵۰ میلیون تومان سیصد میلیون تومانش را در تهران مصرف کند صرف چه بکند؟ مگر می شود اراضی اطراف طهران را مزارع سبز و خرمن برد مگر می شود همه را مرتع کرد که گاو بچرد با همه را می شود زیتون کاری کرد هر چیزی يك منطقه ای دارد هر جا يك آب و هوائی دارد ما خودمان را بکشیم آب و هوای تهران مگر کبات نمیدهد نمی شود این جا مگر کبات با آورد هر قدر دولت برای کمک بر کبات اختصاصی بدهد باید به ناحیه معین در ساحل دریای خزر و يك ناحیه ای در جنوب ایران اختصاص بدهیم این پول مگر کبات را به زرد و اصفهان و تهران نمی تواند بدهد پس اگر بر نامه

دسته‌ای که ضعیف‌تر است کمک بکنند کمک را بآن دسته‌ای که قوی‌تر است و بنیبه مالی بیشتری دارد می‌تواند جذب بکنند بدهد رفسنجان توانائی جذب يك كارخانه قند را دارد بم ندارد (صدر زاده - پس با این منطبق همیشه دهات خراب خراب میماند) پس تقسیم پول بصورتی است که ما قرض می‌دهیم نه بصورتی که دولت سرمایه گذاشته باشد و بخواهد بهره بردارد اگر يك كارخانه قند دولت می‌خواست با سرمایه خودش ببرد نصب بکنند بدیهی است که بم را بر رفسنجان ترجیح می‌داد ولی وقتی قرار شد قرض بگیرند کسانی که می‌توانند تضمین بدهند کسانی که می‌توانند پول اولیه را فراهم بکنند مقدم می‌شوند این يك قاعده دنیائی است که این طبقه می‌توانند ثروت را بخودشان جذب بکنند مادرا اینجا فکر اقتصاد مملکت را باید بکنیم کرمز دارای فلان قدر جمعیت است یزد هم در مجاورت آنست اینها قند می‌خواهند قند اینها با باید از خارجه وارد شود یا از خراسان حمل بشود کرمز تمام می‌شود ما در ناحیه استان کرمز كارخانه قند می‌خواهیم (مرآت اسفندیاری - آقای در سیرجان كارخانه قند هست)

رئیس - آقای مرآت شما مخالفید؟
نوبتتان میرسد صحبت می‌کنید. آقای وزیر کشاورزی بفرمائید

وزیر کشاورزی - بلی از آن كارخانه قند اطلاع دارم ولی آن كارخانه احتیاجات اهالی استان کرمز را تأمین نمی‌کند آقا فقط آنهایی را که امروز می‌توانند قند بخرند در نظر می‌گیرید ما اهالی کرمز را در نظر می‌گیریم ما افزایش مصرف را در نظر می‌گیریم که در ظرف سه سال از ۲۶۰ هزار تن به ۳۶۰ هزار تن رسیده است با اداره اقتصاد کرمز مراجعه بفرمائید به بیند همین کرمز در طی سه سال اخیر مصرفش چقدر بالا رفته باین نسبت که مصرف بالا میرود کرمز ۲ سال دیگر احتیاج بقد دارد الان هم قند از خارجه بکرمز حمل می‌شود ما برای کرمز يك كارخانه قند می‌خواهیم این كارخانه را کجا بگذاریم که زودتر به محصول برسد و اهالی کرمز قند ارزانتر بتوانند بدست بیاورند هر کجا که مشتری برای خرید كارخانه قند بود کمک بآن مشتری می‌کنند (مهندس فروهر - چه ارتباطی باین لایحه دارد) تقسیم پول در اینجا بصورت اینکه سهم هر شهرستان را بدهند صحیح نیست تقسیم پول روی مواد کشاورزی باید باشد که ما چه اجناسی می‌خواهیم و این اجناس در کجاها بدست می‌آید پول را باید برای آن نقاط اختصاص داد و چون هر سال این احتیاج تغییر می‌کند ناچار باید برنامه تغییر بکنند فرمودند که بانك کشاورزی پولش را صرف ساختمان کرده باین جهت

نی‌شود اعتماد کرد و پول را بانك داد اولاً باید عرض کنم که بانك کشاورزی جزو وزارت کشاورزی نیست و بنده بنام نماینده دولت عرض می‌کنم مدیر بانك و هیأت مدیره بانك هم تقصیری ندارد مجمع عمومی صاحبان سهام هر سال تشکیل شده و اجازه داده اند که ساختمان بکنند حالا اینكار مصدحت بوده یا نبوده خارج از بحث امروز ما هست بعضی‌ها عقیده دارند برای حفظ سرمایه اش لازم بوده است بعضی‌ها عقیده دارند که لازم بوده بنده فعلاً وارد این بحث نمی‌شوم من خواستم عرض کنم که مجمع عمومی صاحبان سهام در سالهای مختلف اجازه این خرج را داده است حالا هم ما این پول را بدست بانك نمی‌دهیم عرض کردم پول در بانك گذاشته میشود بانك يك عاملی است از طرف دولت برای اینکه این پول را قرض بدهد اگر نخواهیم این پول را به بانك بدهیم باید يك سازمانی بوجود آوریم که آن سازمان این پول را تقسیم بکنند این يك مخارج زیادی ایجاد میکند در صورتیکه بانك کشاورزی دارای شعباتی است و باید شعباتش را اضافه کند چندین برابر بکنند تا بتواند اینكار را انجام بدهد شاقانون تدوین میکنند تعیین میکنند که بانك روی چه اصولی و چه طریقی این پول را بمردم بپردازد و همین ترتیب هم راجع بشکایات دیگری که از بانك کشاورزی فرمودند راجع بر معرکب که از مردم می‌خواهند عرض میکنم در مورد این پول اینها صدق نمیکند بنده کاری ندارم که بانك کشاورزی خوب کار میکند یا نمیکند بموقع هر ترتیبی که لازم باشد برای اینکه اینكار خوب اجرا شود بدهید اما راجع باستانی که لازم الاجرا باشد با اینکه مربوط بماده يك نیست بنده میخواهم عرض کنم این مربوط بحسن نیتی است که آقایان دارید آقایان میخواهند این پول را با سود کمتری هر چه زودتر بدست کشاورزان و خورده مالکین برسانند یعنی بجای اینکه دهقان از ده بیاید بشهر و در دفتر اسناد رسمی سند تنظیم بکنند بانك مكلف بشود پول را توی جیب بگذارد و دفترش را ببرد در توی ده و زودتر بمردم قرض بدهد و توی همان دفاتر رسید بگیرد (مهران - همین سادگی است که می‌فرمائید؟) بلی منظور این است حالا اگر این با اصول دیگری منافات دارد در باره اش بحث بفرمائید روشن می‌شود

رئیس - آقای مرآت اسفندیاری
مرآت اسفندیاری - عرض کنم در موقعی که پیشنهاد کفایت مذاکرات داده شده بود بنده دلایل مختصری عرض کردم که بهتر است در این لایحه بیشتر مدافعه و مذاکره بشود خیال میکنم که پیش بینی

بنده بحقیقت بی‌وسه و مطالبی را که جناب تیمسار وزیر محترم کشاورزی فرمودند دل بر آن عرایض بنده بود آن چیزی که بنده در نظر داشتم عرض کنم خوشبختانه سایر رفقا و جناب آقای صدر زاده فرمودند که فرمایشاتشان بسیار جا بود و بنده بی اندازه خوشوقت شدم که این تذکره را دادند آقایان نمایندگان که تشریف می‌آورند و تذکرانی می‌دهند منظورشان غرض نیست منظور واقعی آقایان راهنمایی است (صحیح است) هیچکس توی این مجلس غرض ندارد و ما هیچ وجه دولت را دولت یاغی نمیدانیم دولت را خدمتگزار ملت میدانیم خودمان هم خدمتگزاریم (صحیح است) ذکر این کلمه بعقیده من بی‌جا بود و استدعا می‌کنم در صورت جلسه یادداشت بفرمائید ما همه خدمتگذار این آب و خاکیم (صحیح است) منتهی هر کدام وظیفه‌ای داریم مطالبی فرمودند راجع باستان کرمز که باعث تأسف بنده شد تیمسار کاش این را نمی‌فرمودید و بنده این مطالب را عرض نمی‌کردم در استان کرمز چرا مطالب دیگر را توجه نفرمودید که كارخانه قند را توجه فرمودید كارخانه قند بر دسیر امسال آفاسی هزار تن چقدر داشت دو ماه و نیم هم شکر را قند میکند و قند استان کرمز را تأمین میکند مصرف قند استان کرمز ۸ هزار تن است لطف فرمودید؟ و روی هم رفته امسال در حدود ۶ هزار تن قند خواهد داشت كارخانه قند هم لازم است و بجا است ولی توجه فرمودید که مردم وزارتین کرمز در سال گذشته چه کشیده‌اند بنده بکرمز تلگراف میکنم بر رئیس بانك کشاورزی شان پنجاه هزار تومان وام بده که مردم قالیشان را نفروشد جواب تلگراف بنده را نمی‌دهد شاید خود حضرتعالی هم بودید همینطور بودید بنده این جا آمدم استدعا کردم که بیائید این پولیکه میدهید تقسیم این پول را هم معلوم کنید چرا؟ برای همین نه شعبه‌تان در کرمز نه شعبه‌تان در سیرجان نه سایر شعبه‌های بانك کشاورزی يك دبیر پول ندارد سال گذشته بنده در پشت همین تریبون بشهادت همه آقایان نمایندگان کرمز و نان کرمز را آوردم ارائه دادم شما بذر بمردم کرمز ندادید آقا مردم قالیشان را فروختند چرا نرفتید به آنها رسیدگی بکنید دو سال پیش آفا سیل در کرمز صدی هشتاد قنات را خراب کرد چرا به آنها رسیدگی نکردید؟ کرمز چقدر دارد و قند می‌خواهد بنده از این می‌گذرم راجع باین ماده که میخواهم عرض بکنم باعث تأسف بنده است که همه‌مان بيك ملت داریم خدمت میکنیم ولی در این جا مطالب را مخلوط میکنند افا ما فرضی نداریم و علاقه بشخص اول

مملکت و این آب و خاک داریم بیشتر از شما هم نداشته باشیم کمتر هم نداریم (صحیح است) عرض کنم بنده تقاضایم این است حالا که آمده دولت يك خدمتی کرده و يك لایحه بسیار پسندیده و بجائی بمجلس داده توجه بفرمائید هیچ دلیلی ندارد از این پول بیشتر بمصرف کرمز نرسد شما خودتان رفتید تصدیق کردید که استان کرمز عقب افتاده‌ترین استانهای کشور است از این اعتبار چقدر برای آنجا منظور خواهید کرد چقدر پیش بینی کردید؟ بخدا اگر کرده باشید بنده در سیرجان بودم سیرجان يك شهرستانی است که مالک بزرگ وجود ندارد آيا حضرتعالی می‌دانید سیرجان در ۴۰۰ سال قبل چقدر قنات داشته؟ ۱۲ هزار رشته جناب آقای وزیر کشاورزی شما می‌دانید امروز چقدر قنات دارد؟ ۴۰۰ تا بر روی پرونده‌ها را بخوانید ۱۲ هزار رشته قنات در ظرف ۴۰۰ سال فقط ۳۸۰ رشته قنات مانده است مردم چه دارند؟ هیچ دوهزار تومان پول در شهرستان سیرجان گیر نمی‌آید بخدا گیر نمی‌آید دیدید آنها را مردم رفتند بذر خودشان را از شیراز خریدند نه از خراسان جناب آقای وزیر کشاورزی کرمز از شیراز آمده است نه از خراسان و مردم قالیشان را فروختند و برای خرید بذر دادند استدعا می‌کنم این است که بروید باین مردم کمک کنید خدا میداند خدمت بزرگی کرده‌اید و در این جا هم استدعا می‌کنم این است که آفاسی را تعیین بکنید که سهم هر استان از سایر استانها متمایز باشد استانها همه متساویند ولی وضع استان تهران از سایر استانها بهتر است هیچکس منکر این نیست (صحیح است) ولی واقعاً چه دلیلی دارد يك گوشه مملکت ما احتیاجش بیشتر است ادرا مقدم نمی‌دارند من نمی‌گویم بتهران ندهید نه بدهید همه کشور یکی است ولی اگر يك استانی احتیاجش بیشتر است اول به آن لطف و توجه بفرمائید و من استدعا می‌کنم این است مخصوصاً چون خودتان ذکر کردید و کمال خوشوقتی من است خودتان باستان کرمز يك توجه بیشتر بفرمائید...

۱۰ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
رئیس - اجازه‌های زیادی در ماده اول خواسته شده است و همینطور در ماده دوم این‌ها محفوظ خواهد ماند برای جلسه بعد جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روز ۳ شنبه خواهد بود دستور هم دنباله همین لایحه...
(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی -
رضاحکمت